



فصلنامه علمی، فرهنگی و اجتماعی

پرتو هدایت

سال اول، شماره اول، زمستان ۱۴۰۳

صاحب امتیاز:

شورای علمی نویسندگان پرتوهدایت

مدیرمسئول: دکتر اسدالله رضایی

سردبیر: محمد حنیف رحیمی

طراح و صفحه‌آرا: م. فیاضی

اعضای هیئت تحریریه

اسدالله رضایی، علی‌جان سعیدی، عبدالله نظری، محمد رضا

اخلاقی، محمدلطیف محبی، محمدحنیف رحیمی، عبدالعزیز فهیمی،

علی‌جان حلیمی، حمیدالله رضایی، عبدالقیوم مظفری

شیوه‌نامه و شرایط تنظیم مقالات

- ✍ مقالات ارسالی باید برخوردار از روش‌های پژوهشی - نگارشی روز بوده، مستند و مستدل و با قلم روان به زبان فارسی نگارش یافته باشند.
- ✍ مقالات ارسالی باید واجد انسجام محتوایی و ساختار منطقی؛ یعنی دارای عنوان، مشخصات نویسنده، چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، بدنه اصلی، نتیجه و فهرست منابع باشند.
- ✍ ارجاعات مقاله به شیوه درون‌متنی (نام خانوادگی، سال انتشار؛ جلد، شماره صفحه) باشد.
- ✍ فهرست منابع در پایان مقاله بدین صورت آورده شود: **کتاب:** نام خانوادگی، نام، (سال نشر)، نام کتاب، مصحح یا مترجم، نوبت چاپ، محل نشر. **نشریه:** نام خانوادگی، نام، (سال نشر)، عنوان مقاله، نام نشریه، شماره نشریه، ماه یا فصل، (صفحات ابتدا و انتهای مقاله).
- ✍ مقالات ارسالی با فاصله یک سانتی‌متر بین سطور، متن عادی با قلم IRNazanin پوینت ۱۴ و متن لاتین با قلم Times New Roman پوینت ۱۲ و پاورقی و فهرست با قلم IRNazanin پوینت ۱۰ باشند.
- ✍ حداکثر در ۲۵ و حداقل در ۵ صفحه A4 باشد.
- ✍ مقالات با نرم‌افزار Word تایپ شده و همراه PDF ارسال شود.

آدرس و شماره ارتباطی

- ✍ آدرس الکترونیکی (ایمیل) و ارسال مقاله: (arizaiy@yahoo.com).
- ✍ شماره ارتباطی و ارسال مقاله (ایتا، تلگرام، واتساپ) (۰۹۱۹۱۹۷۱۲۴۸).

یادآوری

- فصل‌نامه «پرتو هدایت» از آثار همه‌ی اهل قلم استقبال می‌کند.
- حق رد یا قبول و نیز ویرایش مقالات برای نشریه محفوظ است.
- مطالب مقالات بیان‌گر آراء نویسندگان آن و مسئولیت آن نیز بر عهده خود آنان است.
- مقالات دریافتی در صورت تأیید یا عدم تأیید بازگردانده نمی‌شود.
- استفاده و نقل مطالب نشریه با ذکر منبع بلامانع است.
- پیشنهادها و انتقادهای سازنده شما، راه‌گشای ما خواهد بود.

فهرست مطالب

بازشناسی مفهوم بلا، سوانح، بلایی طبیعی و تأثیر رفتار در بروز آنها از دیدگاه قرآن کریم.....۳

اسدالله رضایی

تحلیل نقش دین در انسجام اجتماعی: رویکردی مقایسه‌ای بر دیدگاه اندیشمندان اسلامی.....۲۱

محمد حنیف رحیمی

نقش مخرب کشورهای استعماری در افغانستان.....۴۵

عبدالله نظری

حجیت عقل در تفسیر قرآن کریم.....۵۹

محمد لطیف محبی

بررسی رابطه ژنتیک و جرم از منظر جرم‌شناسی و آموزه‌های اسلامی.....۸۱

محمد رضا اخلاقی

بررسی تطبیقی وجود از منظر متکلمان و فلاسفه مسلمان.....۱۰۳

علی جان سعیدی

فصل نامه علمی، فرهنگی و اجتماعی

پرتو هدایت

سال اول، شماره اول، زمستان ۴۰۳

ص ۸۱ تا ۱۰۲

بررسی رابطه‌ای ژنتیک و جرم از منظر جرم‌شناسی و آموزه‌های اسلامی

محمد رضا اخلاقی *

چکیده

تأثیر ژن بر رفتار مجرمانه و یا عدم تأثیر آن، یکی از مباحث پیچیده و قابل تامل در حوزه جرم‌شناسی و آموزه‌های دینی است. جرم‌شناسان دوره علمی؛ بویژه مکتب زیست‌شناسی سنتی، ژن را در بروز رفتار مجرمانه، علت تامه می‌دانند. مکتب زیست‌شناسی جنایی نوین، در کنار عوامل وراثت، تغییرات ژنتیکی، زیست‌شناسی عصب، زیست‌شناسی شیمیایی و عوامل محیطی را در رفتار مجرمانه موثر دانسته‌اند. یافته‌های جامعه‌شناسی جنایی، علل اجتماعی و محیطی را در ارتکاب بزه دخیل می‌دانند. در رویکرد روانشناسی جنایی، علل فردی و روانی مهم‌ترین عامل بزه به شمار می‌رود. برخی از آیات و روایات، به نقش وراثت در انتقال فضایل اخلاقی، نجابت خانواده و سایر کمالات نفسانی، اشاره نموده‌اند. با این وصف، در رویکرد دینی، ژن‌ها به تنهایی عامل تعیین‌کننده بزه نیستند و عوامل دیگر؛ مانند خانواده، محیط اجتماعی، اعتقادات و نوع تربیت در بروز رفتار مجرمانه نقش دارند.

کلید واژه‌ها: ژن، جرم، وراثت، جرم‌شناسی، آموزه‌های دینی.



مقدمه

براساس یافته‌های زیست‌شناسی، پژوهش‌های جرم‌شناسی و داده‌های روان‌شناسی شناسی جنایی، عوامل داخلی و بیرونی گوناگون در تکوین رفتار مجرمانه نقش دارد. مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که عوامل فوق، هیچ کدام به تنهایی نمی‌تواند علت تامه جرم باشد؛ به گونه‌ای که علل ارثی، خصوصیات اخلاقی و تربیتی، عوامل خانه، مدرسه و جامعه به صورت جمعی، در ارتکاب رفتار ضد اجتماعی دخیل هستند. در گزاره‌های دینی، وراثت، تربیت و محیط اجتماعی به عنوان عوامل غیر ارادی جرم، مورد توجه قرار گرفته است. وراثت یکی از عواملی است که ویژگی‌ها و خصوصیات را به فرزندان منتقل می‌نماید. فرد همان گونه که از نظر مالی میراث دار بستگان خود است، از نظر فردی و اخلاقی نیز وارث استعدادها، پدران و نیاکان خود بوده و صفات نیک و بد آنان را به ارث می‌برند. شباهت‌های ظاهری فرزندان با پدر و مادر؛ از قبیل رنگ چشم، سفیدی چهره و مقایسه رفتارهای پدر و مادر با فرزند در حوزه تربیت، مهرورزی و مانند آن‌ها، وراثت را به عنوان یک پدیده مهم جلوه گر نموده است. در آموزه‌های اسلام، نقش تربیت و راهنما مورد اهتمام بوده و از وراثت با کلمه «عرق» یاد شده است. از نظر ژنتیکی، فرزندی که از پدر و مادر شجاع به دنیا می‌آید غالباً شجاع خواهد بود و عکس آن نیز صادق خواهد بود.

به صورت کلی، اخلاق و خصوصیات روحی فرزندان، تابع اخلاق و سلوک پدر و مادر بوده و این خصوصیات از راه وراثت به فرزندان منتقل می‌گردند. در مواردی، برعکس نیز خواهد بود؛ به گونه‌ای که فرزند شخص عاقلی، کودن و فرزند فرد کودن، عاقل باشد. این نوع تفاوت را باید در شرایط پرورش جنین در رحم مادر و یا انتقال خصوصیات یکی از نیاکان و اجداد، جستجو نمود. اصل وراثت در حیوانات و نباتات نیز مشهود است؛ به نحوی که از نظر رشد، ساختار بدنی، سلول‌های جسمی و سایر صفات، شبیه اسلاف خود می‌باشد.

مقاله حاضر سعی دارد به این سوال پاسخ دهد که آیا بین وراثت و جرم رابطه معناداری وجود دارد؟ برای دست‌یابی به پاسخ درست و دقیق، لازم است که مفاهیم و دیدگاه اجمالی برخی مکاتب جرم‌شناسی، مورد واکاوی قرار بگیرد و سپس میزان تاثیر گذاری



عوامل ژنتیک، بر رفتار مجرمانه، از منظر جرم شناسی و آموزه های اسلام به کنکاش گرفته شود.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. آتاویسم^۱

به معنای بازگشت به عادت و باورهای نسل های پیشین است. (والک لیت، ۳۹: ۱۳۸۶). در واقع واژه «آتاویسم» به این معناست که نسل امروزی بشر، دردرنده خوبی و خونریزی به اجداد و گذشتگان خود، برگشت نموده اند. به بیان دیگر نسل جدید بشر، سفاکی و رفتار مجرمانه را از نیاکان خود به ارث برده اند. سزار لمبرزو^۲ مفهوم آتاویسم را به تبعیت از نظریه داروین، وارد مفاهیم جرم شناسی نمود. (Burke, 2009, p.65).

۲-۱- کروموزوم:

در هسته هر سلول انسان ۲۳ جفت کروموزوم وجود دارد که از دو نوع تشکیل شده است: یک کروموزوم های معمولی که از نظر شکل شبیه هم بوده و خصوصیات جسمی و فیزیکی فرد را می سازند و با نام کروموزوم های جسمانی یا آتازوم یاد می گردد. دو کروموزوم هایی که شکل آن بر حسب نر یا ماده بودن، فرق دارد و به نام کروموزوم جنسی شناخته می شود. دانشمندی به نام مک کلینک در سال ۱۹۰۱ تاثیر کروموزوم جنسی را در تعیین جنسیت جنین، کشف و اثبات نمود. (گودرزی و کیانی ۱۳۸۵: ۱۲۷). کروموزوم های جسمی کاملاً شبیه به هم و به شکل دانه های تسبیح، در کنار یکدیگر قرار گرفته است و ژنها در طول کروموزوم ها قرار دارند؛ به نحوی که هر جفت کروموزوم با شماره ای مخصوص آن، قابل شناسایی می باشد. (گودرزی، ۱۳۸۵: ۱۲۷).

سلولهای جنسی، هر کدام دارای نصف تعداد کروموزوم هستند و پس از انجام لقاح، سلول جدیدی به وجود می آید. تعداد کل کروموزوم های سلول جدید ۲۳ جفت است؛ با این توضیح که مرد دارای ۲۲ جفت کروموزوم جسمی و یک جفت کروموزوم جنسی است

^۱. Atavism

^۲. (Cesare Lombroso).



و کروموزوم‌های جنسی مرد از دو نوع X و Y است که جمعاً ۴۶ کروموزوم می‌شود. زن نیز دارای ۲۲ جفت کروموزوم جسمی و یک جفت کروموزوم مخصوص سلول‌های جنسی است که کروموزوم‌های جنسی زن، هردو، از نوع X است و جمعاً ۴۶ کروموزوم (XX+44) می‌شود. (گودرزی، ۱۳۸۵).

کیفیت و چگونگی مخلوط شدن کروموزوم‌های جنسی X و Y، خصوصیات جنس جنین را تعیین می‌کنند؛ یعنی اگر دو تخم X زن با X مرد کنار هم قرار گیرند، جنین ماده و اگر X با Y مرد کنار هم قرار گیرند، جنین نر خواهد بود. (گودرزی، ۱۳۸۵). بسیاری از بیماری‌ها به علت اختلال در چگونگی تقسیم کروموزوم‌ها، نحوه در کنار هم قرار گرفتن و یا تغییر در تعداد کل این کروموزوم‌ها به وجود می‌آیند. هرگاه این تغییرات در کروموزوم‌های جسمی اتفاق افتد، بیماری‌های جسمی؛ مانند سندرم دان یا منگولیسم^۱ را ایجاد می‌کند و در نتیجه نقیصه‌های عقلی عارض می‌گردد. در صورتی که این تغییر در کروموزوم‌های جنسی به وجود آید، در مردها سبب سندرم کلین بیلتر^۲ می‌شود که در این فرض، در مرد به جای یک X و یک Y، دو X و یک Y (44XXY) یعنی جمعاً ۴۷ کروموزوم مشاهده می‌شود و در زنها سبب سندرم ترنر^۳ می‌گردد. در زن بیمار به جای دو X، فقط یک X (44X) یعنی جمعاً ۴۵ کروموزوم وجود دارد که هر کدام از این دو بیماری دارای خصوصیات آسیب‌شناسی مخصوص به خود است. (گودرزی، ۱۳۸۵).

۳-۱. کروموزوم اضافی

در سال ۱۹۵۵ کروموزوم اضافی که ارتباط مستقیم با رفتار غیرعادی و اعمال ضداجتماعی دارد، توسط پژوهشگری به نام پاتریش یا ژاکوب کشف شد. این محقق درباره زندانیان یکی از زندان‌های انگلستان مطالعاتی انجام داد و متوجه شد که چهار درصد زندانیان مورد مطالعه، دارای یک کروموزوم اضافی هستند. این عده از زندانیان، گرایش‌های ضد اجتماعی و حالات غیر عادی داشتند. شناخت مذکور، زمینه‌ی مطالعات وسیع و

^۱. (Downs Syndrum or Mongolism).

^۲. (Syndrum Clinebilter).

^۳. (Turner).

گسترده‌ی را فراهم نمود که در نتیجه آن، نظریه علمی رابطه کروموزوم اضافی و رفتار غیرعادی در سال ۱۹۶۶ به اثبات رسید. (گودرزی، ۱۳۸۵). براساس مطالعات صورت گرفته، کروموزوم اضافی در بدن اشخاص، معد و زمینه ساز برای رفتارهای ضد اجتماعی است و این موضوع از نظر علمی به اثبات رسیده است.

۴-۱-ژن

ژن عامل اصلی انتقال خصوصیات و ویژگی‌های پدر و مادر به فرزندان است. (بیکر، ۱۳۸۷، ۲۰). در صورت نبود تغییرات؛ از قبیل موتاسیون، ژنها از يك نسل به نسل دیگر انتقال می‌یابند. موتاسیون باعث تغییراتی در ژنها می‌شود که ممکن است به دلیل اثرات شیمیایی، اثر اشعه و یا عوامل فیزیکی به وقوع بپیوندد. ژنها در طول کروموزومها، جفت جفت قرار گرفته و هر کدام کار انتقال یکی از خصوصیات ارثی را بر عهده دارند از قبیل؛ ژن رنگ پوست، ژن قد و غیره. هر چند ژن هر فرد مشخص بوده و حامل يك خصوصیت است؛ اما ظهور و بروز هر يك، بستگی مستقیم به عوامل محیطی دارد. (طریقتی، ۱۳۵۵ : ۷۷-۱۷۴) در واقع عوامل محیطی در کنار ژن‌ها و به صورت تلفیقی، سبب بروز خصوصیات می‌گردد.

۵-۱. فنوتیپ

انتقال تمام خصوصیات روحی و روانی از پدری به فرزند، فنوتیپ نامیده شده است. به دیگر سخن منتقل شدن شاخصه‌های؛ از قبیل رنگ پوست، چشم آبی و سایر خصوصیات از رهگذر ژن، فنوتیپ خوانده می‌شود (گودرزی، ۱۳۸۵). در پرتوی مطالعات صورت گرفته، خصوصیات پدر و مادر؛ مانند مشخصات صورت، استخوان بندی، قد و سایر ویژگی‌ها از طریق وراثت به فرزندان منتقل می‌گردند؛ به همین دلیل غالباً فرزندان از نظر چهره ظاهری شبیه پدر و مادر خود هستند.

۶-۱. ژنوتیپ

گاهی برخی از خصوصیات ارثی؛ مانند ژن کوررنگی، از مادرانی که خود به آن مبتلا هستند، به فرزندان، انتقال پیدا می‌کند. به این نوع انتقال، ژنوتیپ اطلاق می‌گردد. ذکر این نکته ضروری است که عوامل محیطی نقش برجسته‌ای در ظهور و بروز ژنوتیپ انسانی



رابطه ژن و جرم از منظر جرم‌شناسی و آموزه‌های اسلامی

به صورت فنوتیپ، دارد. در واقع ژنوتیپ فرد بر اثر آمیخته شدن با شرایط محیطی، موجب بروز فنوتیپ می‌گردد. (گودرزی، ۱۳۸۵).

۷-۱. ژن غالب و ژن مغلوب

ژن غالب آن است که تمام ویژگی‌های ارثی خود را در فرد نشان می‌دهد مانند ژن رنگ سیاه و سفید؛ اما ژن مغلوب به تنهایی نمی‌تواند خصوصیات ارثی را بروز دهد. (همان) هرگاه ژن غالب و ژن مغلوب در کنار هم قرار بگیرند، خصوصیات ژن غالب ظهور و بروز پیدا می‌کند. در فرض که یک ژن غالب در کنار یک ژن غالب دیگر قرار گیرد، بدون تردید، هریک، خصوصیات خود را شدید نشان خواهد داد. (گودرزی، ۱۳۸۵) در نتیجه ژن غالب، خصوصیات و ویژگی‌های ارثی را از پدر و مادر به فرزندان منتقل می‌کند. با توجه به نقش کروموزمها، ژنها، فنوتیپ، ژنوتیپ و ژن غالب و ژن مغلوب در انتقال ویژگی‌ها و خصوصیات جسمی پدر و مادر به فرزندان باید بررسی نمود که چه رابطه بین ژن و رفتار مجرمانه وجود دارد.

۲- رابطه ژنتیک و رفتار مجرمانه

در این که بین وراثت و جرم، رابطه وجود دارد یا نه، در میان جرم‌شناسان و اندیشمندان مسلمان، تفاوت دیدگاه وجود دارد. گروهی از متخصصان حوزه جرم‌شناسی، عوامل ژنتیک و ارث را در ارتکاب جرم دخیل دانسته‌اند و عده‌ای دیگر از جرم‌شناسان، نقش عوامل زیستی را به صورت عام، در رفتار مجرمانه برجسته نموده‌اند. برخی از جرم‌شناسان، علل اجتماعی، فردی؛ مانند حالات روحی - روانی و عوامل محیطی را به صورت عام در تکوین جرم، موثر دانسته‌اند و اعتقاد دارند که عوامل اجتماعی، روانی و محیطی در کنار عامل وراثت، در بروز بزهکاری نقش دارد؛ هر چند نقش عوامل اجتماعی و محیطی نسبت به عوامل ژنتیک برجسته است. (هالوگ یا واز، ۱۳۸۶). رهیافت سخن آن که جرم‌شناسان در شکل‌گیری بزهکاری عوامل متعددی را دخیل دانسته‌اند و وراثت تنها یکی از علل رفتار مجرمانه به شمار می‌رود. برای شناخت بهتر دیدگاه جرم‌شناسان، لازم است که دیدگاه‌های مهم در جرم‌شناسی علمی، به بازخوانی گرفته شود.



۱-۲. زیست‌شناسی جنایی سنتی

جرم‌شناسی نظری به دو بخش جرم‌شناسی عمومی (خرد و کلان) و جرم‌شناسی اختصاصی قابل تقسیم است. زیست‌شناسی جنایی، روان‌شناسی جنایی و جامعه‌شناسی جنایی، درگستره و قلمرو جرم‌شناسی اختصاصی قرار می‌گیرد. بر اساس تقسیمات مزبور، زیست‌شناسی جنایی یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی اختصاصی نظری است که به دو بخش زیست‌شناسی سنتی و زیست‌شناسی نوین تقسیم گردیده است. سزار لمبرزو به عنوان یکی از طلایه داران نظریه زیست‌شناسی جنایی سنتی در مورد نظریه تکامل و وراثت، تحقیقات گسترده را انجام داد که نتیجه آن، طرح فرضیه مجرم مادر زادی و یا مجرم بالفطره بود. (ابرند ابادی و هاشم بیگی، ۱۳۷۷: ۲۹۱). درنگرش لمبرزو، برخی از بزهکاران، به صورت فطری تمایل به بزهکاری دارند. هرگاه این مجرمین در شرایط برابر با دیگران قرار بگیرند، لاجرم مرتکب جرم می‌گردند. (علمی، ۱۳۴۹: ۲۵). لمبرزو معتقد بود که مجرمین مادرزادی، با هیچ مکانیسم و روشی قابل اصلاح و درمان نیست وی با انتشار کتاب مرد جنایتکار^۱ به عنوان بنیانگذار مکتب زیست‌شناسی جنایی سنتی، شناخته شد. لمبرزو در پرتوی نظریه (آتاویسم)، مجرم را به مادر زادی، مجرم به عادت و غیره تقسیم نمود. واژه آتاویسم به مفهوم بازگشت به زندگی اولیه است. لمبرزو تحت تاثیر عقاید داروین، معتقد بود که بعضی از اشخاص در اثر ماهیت پلیدی که دارند، رجوع به اصل خود کرده‌اند و رفتار اجداد وحشی و خونریز خود را به ارث برده‌اند. در نگاه لمبرزو این‌گونه مجرمین در مسیر رشد و تعالی خویش دچار توقف گردیده و قابل اصلاح نیستند. (کی نیا، ۱۳۸۲: ۹۳).

سزار لمبرزو نخستین بار واژه «مجرم بالفطره و ذاتی»^۲ را وارد حوزه جرم‌شناسی نمود. از نظر وی در بدن بزهکاران، نقصی به نام استیگماتا^۳ وجود دارد که آنان را ناخواسته به سوی بزهکاری سوق می‌دهند. (ابرند ابادی و هاشم بیگی، ۱۳۷۷). غالب اندیشمندان

1. The Criminal Man.

2. Criminal Born.

3. Stigmata.



و جرم‌شناسان قدیمی بر این باور بودند که عامل زیستی یا بیولوژیکی نقش موثر در تحقق پدیده مجرمانه دارد. تاثیر وراثت در بروز جرایم، با کشف مندل (۸۴-۱۸۲۲)، طرفداران بیشتری پیدا نمود. به اعتقاد برخی از جرم‌شناسان زیست‌شناسی سنتی، مجرمین نه تنها خصلت بزهکاری را از پدر و مادر خویش به ارث می‌برند؛ بلکه رفتار مجرمانه، از اجداد و نیکان نیز به نوادگان، قابل انتقال است (محمدی: ۱۳۸۵)

به نظر می‌رسد این نوع برداشت از رفتار مجرمانه، با داده‌های پژوهش‌های نوین در حوزه جرم‌شناسی، همخوانی ندارد و رهیافت پژوهش‌های صورت گرفته، بطلان نظریه زیست‌شناسی سنتی را نشان می‌دهد. افزون بر آن، دیدگاه مکتب زیست‌شناسی سنتی در مغایرت آشکار با فلسفه مجازات بوده و با اهداف کیفر همپوشانی ندارد؛ زیرا یکی از اهداف مهم مجازات، اصلاح و باز اجتماعی نمودن بزهکار است و مبرهن است که درنگاه لمبرزو، مجرم مادر زادی، اصولاً قابل اصلاح و درمان نمی‌باشد.

۲-۲. جامعه‌شناسی جنایی

رقابت شدید بین جرم‌شناسان ایتالیایی و جرم‌شناسان فرانسوی، سبب گردید که اثبات گرایان فرانسوی، نقش عوامل اجتماعی را در ارتکاب بزهکاری برجسته سازند. لاکاسانی جرم‌شناس معروف فرانسوی، در پی تحقیقات گسترده خود، تاثیر عوامل اجتماعی بر بزه را، با ادله علمی اثبات کرد. (مرادیان، ۱۳۹۳). در رویکرد مکتب جامعه‌شناسی جنایی، عوامل اجتماعی، نقش برجسته‌ای در بروز و ظهور عمل مجرمانه دارد. اوضاع و شرایط اجتماعی؛ مانند فقر، بیکاری و نابرابری در حوزه‌های کار، درآمد و امکانات مادی، زمینه ساز جرم است و هر شخص که در این گونه شرایط قرار بگیرد، بناچار مرتکب بزه خواهد شد؛ زیرا افراد جامعه، بخاطر بیکاری، توزیع ناعادلانه امکانات و ثروت و نابرابری اجتماعی، ناگزیر به رفتار ضد اجتماعی گرایش پیدا می‌کنند. به بیان دیگر برخی افراد در جامعه از امکانات رفاهی و تسهیلات ویژه‌ی برخوردارند و عده دیگر فاقد امکانات هستند. این بخش از افراد جامعه، در مقام مقایسه زندگی خویش با افراد ثروتمند و متمول، هیچ تناسب منطقی و عقلانی را نمی‌بینند؛ به همین دلیل وادار به واکنش رفتار ضد اجتماعی می‌گردند. در کنار عوامل اجتماعی، نقش تربیت خانوادگی، محیط آموزشی، عقاید و باورها در جلوگیری از رفتار ضد اجتماعی را نباید از نظر دور داشت.



درواقع عوامل اجتماعی بدون در نظر داشت سایر مولفه‌های نقش آفرین، نمی‌تواند در بروز و ظهور رفتار مجرمانه نقش آفرین باشد؛ بلکه در کنار عوامل اجتماعی، خانواده قانون گریز، تغذیه حرام، تغییرات ژنتیکی و ضربه‌های مغزی در دوران طفولیت، از مولفه‌های اصلی ارتکاب بزهکاری به شمار می‌رود.

۲-۳. روان‌شناسی جنایی

درنگرش مکتب روان‌شناسی جنایی، عوامل روحی و روانی؛ از قبیل روان پریشی، صرع و سایر آشکال پیسکوپاتی (روان آزاری) اصلی ترین نقش را در ارتکاب بزه دارد. پیروان این مکتب به دو گروه تقسیم شده اند؛ برخی صرف عوامل فردی، روحی و روانی را علت تامه برای ارتکاب جرم می‌دانند وعده دیگر درکنارعلل مزبور، عوامل اجتماعی را نیز موثر در بروز رفتار مجرمانه می‌پندارند (اکرمی، ۱۳۹۱، ۱۸۲). تحقیقات علمی ثابت کرده است که هیچ یکی از عوامل بیان شده در دیدگاه مکاتب جرم‌شناسی به تنهایی نمی‌تواند علت بزه باشد؛ زیرا عوامل مختلف در عرض هم دیگر؛ آنهم با فراهم بودن سایر شرایط ونبودن موانع، می‌تواند موجب عمل مجرمانه گردد. مکتب روان‌شناسی جنایی، ارتکاب عمل مجرمانه را منوط به فراهم شدن عوامل فردی، روحی و روانی نموده است و برای وراثت وعامل ژنتیک، نقش قابل توجهی را درنظر نگرفته است.

به نظر می‌رسد که عامل فردی به تنهایی نمی‌تواند سبب بزه گردد؛ بلکه عوامل متعدد در بروز رفتار مجرمانه دخیل هستند. به عنوان نمونه در رفتار ضد اجتماعی، عامل فردی، محیطی، تربیتی، فقدان اعتقادات دینی وعوامل اجتماعی؛ از قبیل فقر، نابرابری اجتماعی و بیبکاری نقش دارند وافزون برآن نقش ژنتیک و وراثت را نیز نمی‌توان دررفتار مجرمانه ازنظر دور داشت واین عامل در کنار عوامل مذکور، رفتار مجرمانه را رقم می‌زند؛ از این رو دیدگاه مکتب روان‌شناسی جنایی در تعارض اشکار با داده‌های جرم‌شناسی قراردارد.

۲-۴. زیست‌شناسی جنایی نوین

نظریه مجرم بالفطره سزار لمبرزو با انواع انتقادات روبروگردید وبا ظهور مکتب جامعه‌شناسی جنایی، اعتبار خود را از دست داد. مهم ترین ادله ناکامی یافتن مکتب



زیست‌شناسی سنتی را می‌توان به دو امر زیر خلاصه نمود. یک) ارتباط نزدیک نظریه مزبور با جنبش‌های نازی و فاشیستی. به دلیل ارتباط عمیق نظریه انسان جنایت‌کار با ایده و عقیده برتری‌نژادی، دیدگاه زیست‌شناسی سنتی، با انتقاد تند مخالفان این دیدگاه، روبرو گردید. (دو) دومین عامل در افول نظریه زیست‌شناسی سنتی، رویکرد جامعه‌شناسانه^۱ ادوین ساترلند بود. وی با رویکرد جامعه‌شناختی به پدیده جرم و بزهکاری عطف توجه نمود و نقش عوامل اجتماعی را در بروز رفتار مجرمانه برجسته کرد. از این رو نقش ساترلند در تحول جرم‌شناسی و پایان بخشیدن به نظریه مجرم بالفطره ستودنی است (Brown et al, 2010, p.195-196) افزون بر دو دلیل مزبور، ایراد روش‌شناختی نیز به نظریه لمبرزو به دو دلیلی زیر وارد است: یک) اولین اشکال آن است که مبنای تحقیقات لمبرزو، تعداد زندانیان معدودی بود و افراد زندانی با توجه به محیط زندان و مشکلات ناشی از محدودیت آن، نمی‌تواند مبنای پژوهش‌های علمی قرار بگیرد. از سوی دیگر گروه تحقیق کننده، متشکل از افراد نظامی و شبه نظامی بود. و این امکان وجود داشت که در میان گروه تحقیق، مجرمینی بوده باشند که از مجازات فرار نموده و جزء گروه پرسش‌گر قرار گرفته باشند در کنار مسایل فوق، این گمانه نیز وجود داشت که در میان زندانیان، بازداشتی ناکرده بزه، بوده باشد. وجود این احتمالات مبنای تحقیق لمبرزو را با چالش روش‌شناختی جدی مواجه نمود. (دو) دومین اشکال این که گروه تحقیق، از میان افراد باصلاحیت و آشنا به مفهوم تحقیق و قضاوت، تعیین نگردیده بود. روشن است که سرباز وظیفه نمی‌تواند پرسشگر دقیق و قابل اعتمادی باشد. به همین دلیل نتیجه مطالعات لمبروز با معیارهای پژوهش علمی، فاصله زیاد دارد.

با توجه به ایرادهای مزبور، نظریه لمبرزو به افول گرایید و جایگاه خود را از دست داد؛ اما با انتشار کتاب زیست‌شناسی اجتماعی ادوار ویلسون در سال ۱۹۷۰، بار دیگر نظریه زیست‌شناسی با رویکرد جدید مورد توجه جرم‌شناسان قرار گرفت. سه عنصر مهم و اساسی در تکوین نظریه زیست‌شناسی نوین، وجود دارد: یک) رابطه رفتار ضداجتماعی با ژنتیک. (دو) رابطه جرم و فیزیولوژی عصب. (سه) ارتباط بزه با زیست‌شناسی شیمیایی. به دلیل

^۱ . Edwin Sutherland.

اهمیت موضوع و نقش آن در کشف رابطه جرم و ژنتیک، مطالب هر بخش به صورت جداگانه مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

۴-۲-۱. رابطه ای رفتار ضد اجتماعی با ژنتیک

جرم‌شناسی نوین از داده‌های علم ژنتیک، بهره برداری فراوان نمود. ژن‌ها از دو منظر، در حوزه جرم‌شناسی، حایز اهمیت است: یک) از جهت انتقال خصوصیات و ویژگیهای ژنتیک. بدیهی است که وراثت علت تامه بزهکاری نیست؛ اما برخی ویژگیها از طریق ژن به فرزندان انتقال پیدا می‌کند. دو) انتقال اختلال‌های ژنتیکی به فرزندان که این اختلالات از تغییرات و دگرگونی‌ها، ناشی می‌شود. اختلال ژنتیک مساله مهمی است که به دلیل عوامل گوناگون ایجاد می‌گردد و از طریق ژن انتقال پیدا می‌کند. مهم‌ترین موارد آن اختلال xxy یا yyx است. 143: (steven 2009). براساس توضیحات که در مبحث مفهوم شناسی بیان شد، هرگاه اختلال ژنتیکی در کروموزوم های جنسی به وجود آید، در مردها سبب سندرم کلین بیلتر^۱ می‌شود که در این فرض، در مرد به جای يك X و يك Y، دو X و يك Y (XXY) و در زن‌ها سبب سندرم ترنر^۲ می‌گردد. اختلال ژنتیکی غیر از وراثت است؛ زیرا این نوع اختلال، تغییراتی را در جنین ایجاد می‌کند. اختلال ژنتیکی اغلب پس از استقرار جنین بوجود می‌آید؛ به همین دلیل اختلال مزبور، ارثی نیست.

۴-۲-۲. رفتار مجرمانه و فیزیولوژی عصب

همزمان با پیشرفت علم در حوزه‌های گوناگون، فیزیولوژی عصب، جایگاه مهم پیدا نموده است. اندیشمندان زیادی در این حوزه به تحقیق و تفحص پرداخته‌اند که در این میان «هانس ایسنک» «جفری گری» و «آدرین رین» توجه بیشتری به این مهم نموده‌اند. در جرم‌شناسی نوین، گرایش جدیدی، بنام جرم‌شناسی عصب، مورد توجه جرم‌شناسان قرار گرفته است. فیزیولوژی عصب موجب ضایعات مغزی، نا بهنجاری‌های مغزی ناشی از امواج الکتریکی و اختلال‌های جزئی مغز می‌گردد. (حمید، کامل و دیگران: ۱۳۹۸). در واقع، در تکوین عمل مجرمانه، عوامل مختلف دخالت دارد. یکی از عوامل، ضایعات مغزی

1. Syndrum Clinebilter.

2. Turner.



ونارسایی‌های ناشی از امواج الکتریکی است. ضربه‌های مغزی دوران کودکی و تاثیر امواج الکتریکی بر جنین، بستر مناسب ارتکاب بزه را آماده می‌نماید. از این رو، فیزیولوژی عصب، به عنوان یکی از مولفه‌های اصلی رفتار مجرمانه، به شمار می‌رود.

۴-۲-۳. رابطه بزهکاری و زیست‌شناسی شیمیایی

نقش زیست‌شناسی شیمیایی در ارتکاب بزه را می‌توان به دو عامل داخلی و عامل خارجی دسته بندی نمود. در بخش عوامل داخلی، می‌توان از تغییرات هورمونی نام برد که ارتباط عمیق با کارکرد غدد درون ریز دارد. «سندروم پیش قاعدگی» در زنان و تغییر «تسترون» در مردان، ارتباط نزدیکی با حالت پر خاشگری و تند خویی دارد. حساسیت‌ها (الرژی‌ها) در ارتکاب عمل مجرمانه نقش اساسی دارد و از جمله عوامل داخلی به شمار می‌رود. در بخش عوامل خارجی می‌توان به نقش و تاثیر غذا در بروز بزه اشاره کرد. در تحقیقات صورت گرفته، مشخص شده است که الکل، مواد مخدر و مصرف بی‌رویه شکر، بر رفتار مجرمانه تاثیر دارد. تغییرات هورمونی و تاثیرات غذا بر رفتار افراد، از عوامل زیستی است. از منظر آموزه‌های دینی، لقمه حرام، تاثیر فراوان بر رفتار ضد اجتماعی دارد و قش غذای حرام در انعقاد نطفه و پیامدهای منفی آن، قابل انکار نیست. آلودگی‌های محیطی؛ مانند سم آفات نباتی، جیوه و سرب ناشی از تولیدات صنعتی، بر رفتار مجرمانه و حالات اداری انسان، تاثیر فراوان دارد. (حمید و دیگران ۱۳۹۸). آلودگی‌های محیطی، هیچ ارتباطی با وراثت و ژنتیک ندارد. در واقع، ژنتیک و عوامل محیطی؛ مانند سرب، جیوه و سم‌های نباتی و هم‌چنین الرژی ناشی از فعالیت شرکت‌های صنعتی و تولیدی، زیر مجموعه عوامل زیستی است. در نتیجه برخی از عوامل مهم زیستی، خارج از قلمرو ژنتیک و وراثت قرار می‌گیرد.

به نظر می‌رسد که در خصوص رابطه بین ژنتیک و رفتار مجرمانه، ژن و یا وراثت نقش تعیین کننده در بروز بزهکاری ندارد و صرفاً معد و زمینه ساز برای عمل ضد اجتماعی به شمار می‌رود. فیزیولوژی عصب، ضایعات مغزی، تاثیر زیادی بر روح و جسم نوزاد می‌گذارد. از منظر آموزه‌های دینی، تغذیه حلال، آثار وضعی زیادی در پی دارد؛ بخصوص در هنگام انعقاد نطفه، تغذیه نقش برجسته‌ای دارد. در واقع لقمه حلال، در کنار تربیت مناسب خانوادگی، نظارت اصولی بر رفتار فرزندان، می‌تواند مسیر زندگی کودک را



در جهت فلاح ورستگاری، تغییردهد. عکس این قضیه نیز صادق است؛ زیرا تغذیه حرام، مصرف مواد مخدر و نوشیدنی‌های الکلی و فقدان تربیت درست، بستر رفتار ضد اجتماعی را فراهم می‌سازد.

۳. رابطه ای وراثت و جرم در آموزه‌های اسلامی

از منظر آموزه‌های دینی، ویژگی‌های اخلاقی، عفاف و پاکدامنی، از طریق وراثت به فرزندان انتقال پیدا می‌کند. از آیات و روایات متعدد، رابطه موثر بین وراثت و خصوصیات اخلاقی و رفتاری، به دست می‌آید. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۱، ۲۳۶). فقیهان مسلمان نیز معتقدند که عفاف و پاکدامنی از والدین به فرزندان، منتقل می‌گردد؛ اما در میزان تاثیر گذاری وراثت بر رفتار ضد اجتماعی، در میان فقیهان مسلمان اختلاف دیدگاه وجود دارد. برای تبیین این که وراثت وژن به چه میزانی بر رفتار مجرمانه تاثیر دارد، لازم است که نگاه قرآن به نقش وراثت، سنت پیامبر گرامی اسلام و امامان معصوم (ع) در این خصوص و نیز دیدگاه فقیهان مسلمان به صورت جداگانه مورد واکاوی قرار بگیرد.

۳-۱. نگاه قرآن به نقش وراثت

قرآن کریم در آیات متعددی به نقش وراثت در انتقال ویژگی‌های اخلاقی، اشاره می‌کند. برای مثال، خداوند در سور مبارکه یوسف، فرموده است: « قَالُوا إِن يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِن قَبْلُ... » (یوسف، ۷۷). برادران یوسف، درباره سرقت صوران ی بنیامین، ادعا نمودند که یوسف برادر وی، نیز مرتکب سرقت شده بود؛ از این رو، سرقت جام توسط بنیامین، جای تعجب ندارد. بر اساس آیه شریفه مذکور، برادران یوسف در کمال نامردی و بی‌حیایی، مدعی شدند که یوسف و بنیامین، دزدی را از مادر خود به ارث برده‌اند و ما از مادر دیگر هستیم (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۱، ۲۳۶). آیه دیگر، نیز به نقش وراثت اشاره نموده است؛ اما این تاثیرگذاری در حدی نیست که قدرت اختیار و تصمیم‌گیری را از انسان سلب نماید. قرآن کریم می‌فرماید: « قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ... » (الاسراء/۸۴). بگو هرکس مطابق روش (اخلاق و رفتار) خود عمل می‌نماید. از آیه مبارکه این گونه برداشت می‌شود که حالت روحی و روانی فرد در رفتار وی تاثیر دارد و این حالات از طریق توارث به افراد انتقال پیدا می‌کند؛ اما تاثیر حالات به گونه‌ای نیست که اراده و اختیار را از فرد، سلب نماید (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۳، ۱۷۹). از آیه زیر، نیز این گونه برداشت



رابطه زن و جرم از منظر جرم‌شناسی و آموزه‌های اسلامی

می‌شود که صفات درونی انسان، در رفتار و عملکرد وی تاثیر دارد. «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرِجُ إِلَّا نَكِدًا.» (الاعراف/۵۸). و زمین پاک است که گیاهش به اذن پروردگارش بیرون می‌آید، و زمینی که ناپاک است، جز گیاهی اندک و بی‌سود از آن بیرون نمی‌آید. از مجموع آیات مبارک استنباط می‌شود که صفات و خصوصیات اخلاقی فرد بر اعمال وی تاثیر گذار است؛ اما این تاثیر گذاری به حدی نیست که اراده و اختیار را از شخص سلب نماید. در نتیجه سعادت و شقاوت ذاتی، وجود ندارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹۰)

به نظر می‌رسد که در گزاره‌های دینی برخی خصوصیات از رهگذر وراثت از پدر و مادر به فرزندان منتقل می‌گردند آیات متعدد این امر را ثابت می‌کند؛ اما در این که بزهکاری از والدین به فرزندان منتقل شوند، از قرآن مجید چنین چیزی، قابل استنباط نیست. در واقع آموزه‌های قرآنی تایید نمی‌کند که رفتارهای مجرمانه از طریق وراثت به فرزندان منتقل می‌گردد؛ بلکه قرآن کریم به این موضوع پرداخته است که برخی خصوصیات رفتاری و اخلاقی و نیز ویژگی‌های جسمی از طریق وراثت قابل انتقال است.

۲-۳. سنت پیامبر (ص)

پیامبرگرامی اسلام درباره جایگاه وراثت، چنین فرموده است: «تَخَيَّرُوا لِأَنْطُفِكُمْ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ» (ابن ادریس، ۱۴۱۰ ق، ج ۲: ۵۵۹). برای توالد و تناسل خود، همسر مناسب و شایسته انتخاب نمایید؛ زیرا عرق (ژن) تاثیر دارد رسول مکرم اسلام در جای دیگر فرموده است: «انظُرْ فِي آيِ شَيْ تَضَعُ وَلَدَكَ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ» (الهندی، ۱۴۰۵ ق، ۱۵، ۸۵۵) نگاه کن که فرزندت را در چه جای قرار می‌دهی؛ زیرا عرق (ژن) تاثیر خاص خود را دارد. پیامبر رحمت و مهربانی، در روایت دیگر فرموده است: «ایاکم و خضراء الدمن، قیل یا رسول اللهوما خضراء الدمن، قال: الامرئہ الحسنا فی منبت سوء» (فلسفی، ۱۳۶۳: ۷۹). رسول گرامی خطاب به مردم فرمود: از خضراء الدمن پرهیزید. سوال شد، منظور از خضراء الدمن، چه کسی است. حضرت بیان داشت: زن زیبا رویی که در خانواده بد متولد شده است. در مورد تاثیر عوامل زیست‌شناسی شیمیایی بر جنین، رسول مکرم اسلام (ص) فرمود: «أَطْعَمُوا الْمَرْأَةَ فِي شَهْرِهَا الَّذِي تَلِدُ فِيهِ التَّمْرَ فَإِنَّ وَلَدَهَا يَكُونُ حَلِيمًا تَقِيًّا» (نوری طبرسی، ۱۴۲۹: ۳۸۴). به زن باردار در ماهی که وضع حمل می‌کند، خرما



بدهید؛ زیرا خرما سبب پرهیز کاری و بردباری نوزاد می‌گردد. پیامبر (ص) نقش تغذیه را در شکوفایی فضایل اخلاقی و حالات نفسانی، برجسته نموده و مصرف خرما در زمان بارداری را موجب پارسایی و شکیبایی نوزاد دانسته است.

از مجموع بیانات پیامبرگرامی اسلام استنباط می‌گردد که نقش ژن و تغذیه، درانتقال برخی خصوصیات و ویژگی‌های اخلاقی به فرزندان، غیر قابل انکار است؛ از این رو رسول مکرم اسلام به انتخاب همسر از خانواده خوب و پاکدامن، تاکید نموده است و این امر نشان می‌دهد که اخلاق دینی، نجابت خانوادگی و پارسایی از رهگذر وراثت قابل انتقال است و این فرمایش رسول خدا، متین و متقن می‌باشد؛ زیرا تشکیل خانواده و تربیت فرزندان، در زندگی هر فرد اهمیت ویژه‌ی دارد و هر پدری خواستار آن است که فرزندان سالم، قانون‌پذیر و شایسته داشته‌باشد؛ اما این که رفتار مجرمانه نیز از طریق وراثت قابل انتقال باشد، بیانات نبی مکرم اسلام چنین برداشتی را تایید نمی‌کند؛ زیرا این نوع نگرش به مقوله بزهکاری، سر از جبر و عدم اختیار در می‌آورد و این رویکرد قطعاً با گزاره‌های دینی سازگاری ندارد. نتیجه آن که وراثت تاثیر چندانی در رفتار مجرمانه ندارد و نهایت امر این که وراثت ممکن است معدوم‌ساز جرم باشد.

۳-۳. از منظر علی (ع)

علی (ع) در مورد نقش وراثت بر رفتار انسان، پیش‌بینی کرده‌بود، که نه نفر از خوارج فراری از جنگ، دزد و راهزن می‌گردند. براساس اسناد و شواهد متقن، پیش‌بینی امام علی (ع) درست از آب درآمد. و نیز حضرت علی (ع) بیان فرموده است که اخلاق خوب و خوشرویی از طریق وراثت قابل انتقال به فرزندان است (خیابوی پور، حسین، آمنه، ۱۳۹۵). علی (ع) در نهج البلاغه در مورد نقش وراثت فرموده است: «ثُمَّ أَلَصَقَ بِذَوِي الْأَحْسَابِ وَ أَهْلِ الْبَيْتَاتِ الصَّالِحَةِ وَ السَّوَابِقِ الْحَسَنَةِ، ثُمَّ أَهْلَ النَّجْدَةِ وَ الشُّجَاعَةَ وَ السَّخَاءِ وَ السَّمَاخَةَ فَأَنَّهُمْ جِمَاعٌ مِنَ الْكَرَمِ وَ شُعَبٌ مِنَ الْعُرْفِ...» (نهج البلاغه، نامه ۵۳ و سبحانی، ۱۳۷۵، ج ۴، ۳۵۵) امام علی (ع) در نامه به استاندار مصر فرموده است که برای اداره شهر، افرادی را انتخاب کن که گوهر نیک داشته‌واز خانواده‌های پارسا و نیکو کار باشند. افراد شجاع و جوانمرد را برای تصدی مناصب، برگزین که آنان بزرگواری و خوبی‌ها را باخود، همراه دارند.



در حدیث شریف دیگر از امام علی (ع) آمده است: «مَا أَدْرَكَكَ عِرْقٌ مِنْ أَبِيكَ» (المدنی، ۱۴۲۰: ق ۱۴۱). یا در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید این گونه آمده است: «أَدْرَكَكَ عِرْقٌ مِنْ أُمَّكَ» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ۲۴۳). در این حدیث شریف حضرت علی (ع) از محمد حنفیه که پرچمدار سپاه در جنگ جمل بود، دلیل عدم حمله را سوال می‌کند، وی در جواب می‌گوید که در جلوی چشمم جزء تیر انداز، کسی را نمی‌بینم. حضرت فرمود این عرق (زن) از پدرت به تو به ارث نرسیده است. در حدیث دیگر آمده است که این خصلت از مادرت به تو به ارث رسیده است. در حدیث دیگر فرموده است: «حُسْنُ الْأَخْلَاقِ بُرْهَانُ كَرَمِ الْأَعْرَاقِ» (تتمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۵۴) اخلاق نیک و رفتار مناسب، دلیلی بر کرامت و نیکویی عرقها (زنها) است که از طریق وراثت به شخص منتقل می‌گردد.

از مجموع فرمایشات حضرت علی (ع) این گونه استنباط می‌گردد که وراثت و زن، خوی و خصلت خوب، شجاعت و پایداری را به فرزندان منتقل می‌کند به همین دلیل حضرت تاکید فرموده است که انتخاب همسر باید از خاندان پارسا و نجیب باشد؛ زیرا ویژگی‌های اخلاقی از طریق وراثت انتقال پیدا می‌کند. بدیهی است که اخلاق ناپسند نیز از رهگذر وراثت قابل انتقال است؛ اما این برداشت به مفهوم آن نیست که وراثت عامل اصلی رفتار مجرمانه در کلام امام علی (ع)، باشد؛ بلکه وراثت، معد و زمینه ساز رفتار مجرمانه می‌باشد. به دیگر سخن، وراثت بستر ساز جرم است و ممکن است تحت تاثیر عوامل محیطی و تربیتی، زمینه‌های بزه از بین برود. عکس آن نیز صادق خواهد بود؛ از این رو بین وراثت و جرم، ملازمه‌ای وجود ندارد.



۳-۴. از منظر امام صادق (ع)

امام صادق (ع) در مورد معیار گزینش همسر فرموده است: «تزوجوا فی الحجز الصالح فان العرق دساس». (طبرسی، ۱۴۲۰: ۳۰۷) با خانواده‌های عفیف و پاکیزه وصلت کنید، زیرا عرق (زن) تاثیر عمیق در عفت و پاکدامنی دارد. از بیان امام صادق (ع) استنباط می‌گردد که رابطه علی و معلولی، بین وراثت و جرم وجود ندارد و عامل وراثت صرفا خصلت‌ها و ویژگی‌های اخلاقی را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کند. به دیگر سخن، از رهگذر وراثت برخی خصوصیات؛ از قبیل نجابت، پاکدامنی و سایر فضایل به فرزندان انتقال پیدا

می‌کند و تبیین امام صادق (ع) از رابطه وراثت و جرم دقیقا به همین موضوع اشاره دارد؛ اما به صورت قطع وراثت علت و عامل اصلی رفتار مجرمانه نبوده و جرم در نتیجه گرد آمدن عوامل متعدد، به وقوع می‌پیوندد و ژن در این جهت نقش معد دارد.

۳-۵. دیدگاه فقیهان مسلمان

فقیهان مسلمان درباره تاثیر وراثت بر بزهکاری، دیدگاه متفاوتی دارند که به دلیل جلوگیری از اطاله بحث، صرفا به بیان کلیات نظریات برخی از فقیهان بسنده می‌گردد. در تبیین و تشریح حدیث شریف «السعيد سعيدا في بطن امه والشقي، شقي في بطن امه يا السعيد من سعد في بطن امه والسعيد من سعد في بطن امه» (کلینی، ۱۳۸۹، ج ۸، ۸۱)، میان فقیهان سه دیدگاه متفاوت وجود دارد.

۳-۵-۱. دیدگاه توقف

در این رویکرد، فقیهان در مورد حدیث فوق، توقف را برگزیده اند. توقف به این معناست که نفیاً و اثباتاً نباید در تحلیل و موشکافی حدیث مزبور ورود پیدا نمود؛ زیرا واکاوی حدیث گمانه‌ای جبرگرایی را تداعی خواهد نمود. جبرگرایی که برآیند آن انتقال بزهکاری به صورت قهری به فرزندان است با گزاره‌های دینی که مبتنی بر اراده و اختیار است، سازگاری ندارد؛ از این رو باید توقف نمود.

۳-۵-۲. دیدگاه اجبار

در این رویکرد، اجبار از حدیث نبوی، استنباط شده است؛ زیرا در حدیث مزبور آمده است که شقاوت و بزهکاری، مادرزادی است و افراد در انتخاب مسیر بزهکاری هیچ اراده و اختیاری ندارند. این نظریه درست شبیه دیدگاه سزار لمبرزو است. بر این اساس، شقاوت و سعادت در بطن مادر، رقم می‌خورد و خود شخص در بروز و ظهور آن، هیچ نقشی ندارد. رهیافت این دیدگاه آن است که وراثت علت تامه جرم و رفتار مجرمانه است و سعادت و خوشبختی نیز در پرتو وراثت و ژن، قابل تفسیر و تبیین می‌باشد.

۳-۵-۳. دیدگاه اختیار

در این نگرش، انسان فطرت پاک و خدا دادی دارند و در انجام عمل نیک و بد مختار هستند. سعادت و شقاوت بستگی به انتخاب خود شخص دارد و هیچ فردی مجبور به رفتار



مجرمانه نیست و هم چنین عفاف و پاکدامنی الزاما در گروهی عامل وراثت نیست؛ بلکه غالبا خصوصیات اخلاقی و ویژگی‌های رفتاری از طریق وراثت منتقل می‌گردد. اغلب فقیهان امامیه این نظریه را پذیرفته‌اند. این برداشت با اهداف کیفر و فلسفه مجازات، همخوانی دارد. طرفداران این نظریه، برای تفسیر حدیث شریف پیامبر گرامی اسلام، به سوال ابن ابی عمیر از امام موسی بن جعفر (ع) استناد نموده‌اند. امام موسی بن جعفر (ع) در تبیین حدیث رسول گرامی فرموده است: «الشَّقِيُّ مَنْ عَلِمَ اللّٰهُ وَهُوَ فِي بَطْنِ اُمِّهِ اِنَّهُ سَيَعْمَلُ اَعْمَالَ الْاَشْقِيَاءِ وَ السَّعِيْدُ مَنْ عَلِمَ اللّٰهُ وَهُوَ فِي بَطْنِ اُمِّهِ اِنَّهُ سَيَعْمَلُ اَعْمَالَ السُّعَدَاءِ» (بابویه، ۱۳۹۸ ق، ۳۵۶). پاسخ امام موسی بن جعفر (ع) در بیان حدیث شریف نبوی درباره سعادت و شقاوت، مبین این امر است که خداوند آگاهی دارند که شخص شقی، در شکم مادر خویش، شقی و گناهکار است و هم چنین فرد سعید در رحم مادر خود، نیکو کار است. علم و آگاهی خداوند به این معنا نیست که سعادت و شقاوت ارثی است؛ بلکه نشانگر آن است که جنین در شکم مادر بنا بر شرایط زیستی، تربیتی، تغذیه و صدمات مغزی، در آینده مرتکب بزه می‌گردد و یا از جمله نیکوکاران قرار می‌گیرند. نتیجه آن که حدیث شریف، ارثی بودن رفتار مجرمانه را تایید نمی‌کند.

جمع بندی

درنگرش مکتب زیست‌شناسی سنتی، بین جرم و وراثت رابطه ای معنا داری وجود دارد. لمبرزو با تدوین کتاب انسان جنایتکار، جرم را مادرزادی دانسته است. به اعتقاد وی، مجرم مادرزادی تحت هیچ شرایطی قابل اصلاح و درمان نیست. چارلز گورینگ، یکی از جرم‌شناسان، وراثت را علت تامه جرم دانسته و معتقد بود که رفتار مجرمانه، ریشه در وراثت دارد. دوپره، یکی از جرم‌شناسان بنام، نیکی و بدی را زایده ژن و وراثت ارزیابی نموده و مجرم را در این جهت، فرد بدون اراده و اختیار، دانسته بود. کوتاه سخن آن که، در منظومه فکری مکتب زیست‌شناسی جنایی سنتی، وراثت، علت تامه رفتار مجرمانه می‌باشد. مکتب جامعه‌شناسی جنایی عوامل اجتماعی و محیطی را علت بزه پنداشته‌اند و نقش وراثت را در رفتار مجرمانه به صورت کلی کتمان نموده‌اند. با این رویکرد، فقر، بیکاری، نابرابری اجتماعی، تبعیض عوامل جرم‌زا بوده و جرم معلول عوامل اجتماعی است و تنها راه مبارزه با جرم، ریشه کن کردن عوامل اجتماعی و محیطی



می‌باشد. از نظر مکتب روان شناسی جنایی، اختلال عصبی؛ از قبیل روان پریشی، صرع، مانیا، دلیریوم و سایر اشکال پیسکوپاتی (روان آزاری) اصلی ترین نقش را در ارتکاب بزه دارد. پیروان این مکتب به دو گروه تقسیم شده‌اند؛ برخی از طرفداران مکتب روان شناسی جنایی، صرفاً عوامل فردی، روحی و روانی را علت تامه بزه دانسته‌اند و عده دیگر در کنار علل مزبور، عوامل اجتماعی را نیز در بروز رفتار مجرمانه دخیل قلمداد نموده‌اند.

مکتب زیست شناسی جنایی نوین باروش علمی و مستندات قابل قبول، سه عنصر مهم و اساسی را در تکوین رفتار مجرمانه دخیل دانسته‌اند. یک) وجود رابطه بین رفتار بزهکارانه و ژنتیک.:: بین عوامل ژنتیک و عمل مجرمانه، رابطه خوبی وجود دارد و عامل وراثت در ارتکاب جرم، تاثیر دارد. دو) رابطه جرم و فیزیولوژی عصب: فیزیولوژی عصب شامل ضایعات مغزی، نا بهنجاری‌های مغزی ناشی از امواج الکتریکی و اختلال‌های جزئی مغزی است. سه) رابطه بزه با زیست شناسی شیمیایی: زیست شناسی شیمیایی از دو جهت با بزه ارتباط پیدا می‌کند. الف- از نظر عامل داخلی: اولین مورد، تغییرات هورمونی است که ارتباط عمیق با کارکرد غدد درون ریز دارد. «سندروم پیش قاعدگی» در زنان و تغییر «تسترون» در مردان، ارتباط نزدیکی با حالت پر خاشگری و تند خویی دارد. ب- در بخش عوامل خارجی می‌توان بر نقش غذا، الکل، مواد مخدر و مصرف بی رویه شکر، بر رفتار مجرمانه اشاره نمود. از منظر آموزه‌های دینی، ژن و وراثت در انتقال خصوصیات و ویژگی‌های اخلاقی، تاثیرات عمیق دارد. و این نتیجه از آیات متعدد قابل استنباط است. بیانات پیامبر گرامی اسلام (ص) و سخنان شیوای امام علی (ع) و فرمایشات سایر ائمه هدی، به صراحت تاثیر وراثت در انتقال اخلاق، پارسایی، پاکدامنی و نجابت خانوادگی را تایید می‌نمایند. از این رو بین خصوصیات اخلاقی، عفاف و پاکدامنی و ژن، رابطه عمیق و همه جانبه وجود دارد؛ اما بین ژن و جرم رابطه ای معناداری مشاهده نمی‌گردد و عوامل مختلف اجتماعی، تربیتی و محیطی در رفتار ضد اجتماعی، نقش دارد.

نتیجه‌گیری

بدون تردید هنجارهای اخلاقی و الگوهای رفتاری از رهگذر وراثت، به فرزندان منتقل می‌گردد. در گزاره‌های دینی بر انتخاب همسر از خانواده نجیب و پاکدامن تاکید شده



است و پیشوایان دین در موارد متعددی بر نقش خانواده در عفاف و پاکدامنی فرزندان مهر تایید زده‌اند. رویکرد این چینی به مقوله‌گزینش همسر نشانگر آن است که خوی و خصلت پدر و مادر از رهگذر وراثت به فرزندان انتقال پیدا می‌کند. هرگاه والدین، پاکدامن و عقیف باشند این خصوصیات به فرزندان نیز منتقل خواهد شد. عکس آن نیز صادق خواهد بود؛ از این رو، فرزندان همان گونه که وارث اموال و دارایی‌های پدر و مادر خویش هستند، وارث خوی و منش آنان نیز خواهند بود. نگرش امامان معصوم (ع) در مقوله انتخاب همسر و تاثیر خانواده پاکدامن در عقیف بودن فرزندان موید این مدعا می‌باشد. با این وصف رابطه علی و معلولی بین وراثت و جرم وجود ندارد و رفتار مجرمانه معلول عوامل متعددی است و وراثت یکی از مولفه‌های آن به شمار می‌رود.

در نگرش برون دینی نیز نقش ژنیتیک را نمی‌توان در انتقال برخی خصوصیات از پدر و مادر به فرزندان انکار نمود. مکتب زیست‌شناسی سنتی، وراثت را علت تامه بزه می‌دانند که این نگاه، از جهات متعدد قابل رد است. در رویکرد مکتب زیست‌شناسی نوین، عامل وراثت در کنار عوامل فردی و اجتماعی، بر رفتار فرزندان، تاثیر دارد. وضعیت دوران بارداری، نوع تغذیه، استراحت، حالت روحی و روانی مادر در شکل‌گیری شخصیت فردی نوزاد نقش محوری دارد و شخصیت نوزاد در دل عوامل مزبور، محیط خانواده و مدرسه شکل می‌گیرد. سخن آخر آن که رفتار مجرمانه، دارای مولفه‌های زیر است: **یک) عوامل فردی**؛ از قبیل خصوصیات روحی و روانی و عدم درک درست از پیامدهای بزه. گاهی بزه‌کار از نظر روانی در وضعیتی قرار دارد که قادر نیست آثار و پیامدهای ناشی از رفتار خویش را به درستی درک نماید. **دو) عوامل محیطی**؛ مانند رفتار نادرست در محیط خانواده، محیط مدرسه و فضای عمومی جامعه، در تکوین نوع رفتار فرد نقش بنیادین دارد. **سه) عوامل اجتماعی**؛ از قبیل فقر، بیکاری و نابرابری در حوزه فرصت‌های شغلی، اجتماعی و تحصیلی، شاخص دیگری است که رفتار فرد را در جامعه تحت تاثیر قرار می‌دهد. داده‌های جرم‌شناسی و یافته‌های جامعه‌شناسی این ادعا را تایید می‌کند. **چهار) ژنیتیک**؛ وراثت و ژنیتیک عامل مستقیم رفتار مجرمانه به شمار نمی‌رود؛ بلکه وراثت، زمینه‌ساز و معد برای ارتکاب بزه است؛ از این رو می‌توان گفت که وراثت به عنوان یک عامل بسترساز در کنار عوامل فردی، محیطی و علل اجتماعی، رفتار مجرمانه را تسهیل می‌نماید.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابرنآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید، (۱۳۷۷) **دانشنامه جرم شناسی**، نشر دانشگاه شهید بهشتی، مرکز چاپ و انتشارات کتاب .
۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبته الله، (۱۴۰۴ق)، **شرح بن ابی الحدید**، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ اول، قم، کتابخانه ایت الله مرعشی - نجفی.
۴. ابن ادريس، محمد بن احمد، (۱۴۱۰ق)، **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**، چاپ دوم، قم دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، التوحید، (۱۳۹۸ق)، **تصحیح هاشم حسینی**، چاپ اول، قم، جامعه مدرسین.
۶. اکرمی، سید محمد، (۱۳۹۱)، **ژنتیک یا محیط؛ کدام یک آینده ما را تعیین می کند**، فصلنامه اخلاق زیستی، سال دوم، شماره چهارم.
۷. بیکر، کاترین، (۱۳۸۷)، **ژن ها و انتخاب ها**، ترجمه خسرو حسینی پژوه، چاپ دوم، تهران، انتشارات مدرسه.
۸. پرفسور هالوگ، یاو واز، (۱۳۸۶)، **ناسازگاری و بزهدکاری در کودکان**، ترجمه قدیر گلکاریان، انتشارات طلایه.
۹. پور حسین خیاوی، آمنه، (۱۳۹۵)، **تطبیق جرم شناسی با جرم شناسی عرفی**، کنگره بین المللی علوم اسلامی - انسانی قابل دریافت پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی.
۱۰. تنمیمی آمدی، عبدالواحد، (۱۳۶۶) **غرر الحکم و درر الکلم (سخنان حضرت علی (ع))**، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۱. حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۳ق)، **وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشرعیه**، الطبعة الاولى، بیروت، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۱۲. حمید، کامل؛ موسوی، سید محمود؛ داوردان، مریم و ستوده، آزاده، (۱۳۹۸)، **نقش و جایگاه وراثت و ژنتیک (زیست شناسی جنایی) در ارتکاب جرم از منظر جرم شناسی نوین و آموزه های دینی**، چاپ اول، اهواز، انتشارات علوم و فنون پزشکی
۱۳. رادیان، میثم، (۱۳۹۳)، **تاریخ جرم شناسی**، پایگاه علوم انسانی و اسلامی پژوه.
۱۴. سبحانی، جعفر، (۱۳۷۵)، **منشور جاوید**، چاپ دوم، قم مؤسسه امام صادق (ع).
۱۵. طباطبایی، محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۱۶. طریقتی، شکرالله، (۱۳۵۵)، **روانشناسی و روانپزشکی کیفی**، انتشارات دهخدا.
۱۷. علومی، رضا، (۱۳۴۹)، **جرم شناسی**، چاپ اول، تهران، انتشارات اقبال.



۱۸. فلسفی، محمدتقی، (۱۳۸۳)، **کودک از نظر وراثت و تربیت**، چاپ چهارم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۹. کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۴۰۷ ق.)، **الکافی**، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. گودرزی، فرامرز کیانی، مهرزاد، (۱۳۸۵)، **پزشکی قانونی برای دانشجویان حقوق**، چاپ دوم تهران، انتشارات سمت.
۲۱. محمدی، عباس، (۱۳۸۵)، **بزهکاری نوجوانان و نظریه‌های انحراف اجتماعی**، انتشارات علم.
۲۲. نوری طبرسی، حسین، (۱۴۲۹ ق.)، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، طبعه الرابعه، بیروت، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
۲۳. والک لیت، ساندر، (۱۳۸۶)، **شناخت جرم‌شناسی**، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۲۴. **قانون مجازات اسلامی**
۲۵. **کد جزای افغانستان**

منابع انگلیسی

- 1-Barkan steven 2009 crimenology a socialogycal unrestandingfourth edition person prentice hall p 143).
- 2-Brown, Stephen, et al, (2010); *Criminology, explaining crime and its context*, Seventh Edition, Anderson Publishing.
- 3-Burke, Roger Hopkins, (2009), *an introduction to CriminologicaEdition*, Willan Publishingl Theory, Third

